

هو الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد محبوبی را لایق و سزاست که باصبع قدرت ختم رحیق مختوم را گشود و بایادی الطاف بر عالمیان مبذول داشت هر نفسی اقبال نمود از او آشامید و بفیوضات نامتناهیة الهیة فائز شد و هر که اعراض نمود فی الحقیقه از ثمره وجود محروم ماند صد هزار افسوس و دریغ که ایادی مکرمات رحمن کوثر حیوان عطا میفرماید و اهل عالم اکثری از آن بی نصیب و در بادیه‌های اوهام بکمال حیرت و غفلت سالک و این رحیق در مقامی کلمة الله است که در خزینة علم ابدی مکنون بوده و بخاتم حفظ مختوم و در مقامی عرفان مطلع اسماست عرفانیکه از قلم اعلی جاری شده نه عرفانیکه از اوهام تولّد یافته طوبی لنفس فارت و معرفت و شربت و ویل للذین اعرضوا بما اتبعوا کلّ غافل بعید

اگر اینعبد بخواهد اینمقام را علی ما هو علیه شرح نماید و معروض دارد البتّه قلم عاجز ماند از حق میطلبم که اهل عالم را از نفعات ایام خود محروم نفرماید اگرچه کلّ ایام منسوب بحق است و از حق است و لکن این یوم تخصیص یافته چنانچه در کتب و صحف و زیر سماویّه ذکر این یوم بوده و اهل بصر ادراک نمودند و بمنظر اکبر شتافتند طوبی لک و للذین فازوا بکوثر الحیوان فی ایام ربهم الرحمن انشاء الله بعنایت الهی قلوب پژمرده و نفوس ظلمانیّه را بانوار کلمة الهیّه منور و تازه نمایند قسم بافتاب افق عرفان اگر نفسی لله بر خدمت امر قیام نماید البتّه قلوب عباد را جذب کند و بافق اعلی کشاند الامر بید الله يعطی من یشاء ما یشاء انه لهو المعطى الکریم

عرض این فانی خدمت حضرة عالی آنکه اینعبد بدستخطّ سرکار فائز و آنچه در او مرقوم بود در ساحت اقدس عرض شد فرمودند انشاء الله باید بمبارکی اسم اعظم بعضی از اهل عالم را که فی الجملة از ظنون و اوهام فارغند و بانوار یقین روشن و منیر آگاه نمایند و بمدینه باقیه کشاند بسیاری از نفوس بسیار بعید مشاهده میشوند تا چه وقت و زمان دست عنایت رحمن ایشانرا بحر قرب و وصال کشاند انه لهو المقتدر القدير خذ كأس الحیوان باسم ربک و قل یا ملأ الامکان ان اسرعوا و تعالوا الی ما قدّر لکم ایاکم ان تمنعوا انفسکم عما خلقتم له اتقوا الله و لا تكوننّ من المحتجین انتهى

و اینکه در باره سیّد عبدالله مرقوم داشتید اینعبد او را ندیده و از احوال او اطلاع نداشته بسیار عجبت از نفوسیکه سبب فساد و تزییع امر الهی شده و میشوند دنیا را وفائی نبوده و نیست این بقائها بعد الذی نریها یأتی بخلق و یذهب بخلق آخر در هر حین فهای خود را بر حسب ظاهر مینماید و لکن بصر مفقود تا مشاهده کند باری از حق میطلبیم نفوس طاغیة باغیة غافله را هدایت فرماید و بمعرفت انفس خود تأیید نماید شاید از حد تجاوز ننمایند و بافترا قیام نکنند وقتی از لسان مبارک اینکلمة مبارکه اصغا شد فرمودند امر را مثل هیکل مشاهده کنید روح آن انقطاعست و جناح آن تقوی طوبی لمن تزین بتقوی الله و انقطع عما سواه انتهى

و اینکه در باره آن سارق خائن مرقوم داشتید اگر ناس بامانت و دیانت و بآنچه از مصدر امر مأمورند عمل مینمودند البتّه جمیع بکمال راحت و عزّت مشاهده میشدند افق امانت تیره مانده و افق صداقت و وفا غبارآلود مشاهده میشود از حق جلّ جلاله سائل و آلمم که نفوسی مبعوث فرماید که از دیانت و امانت و صدق و وفاشان عالم مزین و منور گردد لیس هذا علی الله بعزیز و البتّه آن نفس که خیانت نموده بجزای عمل خود خواهد رسید در سنه قبل در اینصفحات هم امثال این امور واقع شده که بعضی در سبیل ادعای ایمان و عرفان و محبت و مودت نموده و بعد اشیاء مهاجرین و مقبلین را سرقت نموده فرار اختیار کرده‌اند فرمودند لا تصدّق ما تسمع و لا تطمئنّ عمّن یخضع انتهى بسی از نفوس هستند که خضوع و خشوع و کلمات

چرب شیرین را دام خود قرار داده‌اند از حق میطلبیم زمین را از نفوس شریره خبیثه پاک و مطهر فرماید این صدمات وارده بر سرکار چون در سبیل حق وارد شده البتّه ثمرات کلیّه از آن ظاهر خواهد شد و بمکافات آن خواهید رسید

ذکر مختار الملک فرموده بودید عرض شد فرمودند انشاء الله بعنایات الهیه فائز باشند از حق میطلبیم مقبلین را مؤید فرماید بر خرق احجاب کلّها بسیار مشکل است نفسی بقوّت و قدرت خلیلی قیام نماید و اصنام نفوس مشرکه را بازوی اقتدار درهم شکنند سالهاست مردم بظنون و اوهام تربیت شده‌اند رایحه‌ئی از گلستان یقین استشمام ننموده‌اند ولی در هر حال مأیوس نباید بود و از تبلیغ امر بحکمت و بیان نباید غافل شد لّه باید گفت و الی الله باید دعوت نمود که شاید اطفال روزگار از لب معارف احرار بالغ شوند و بمنظر اکبر ناظر گردند انتهی

عریضه جناب ملا شاه رضا عرض شده و جواب از سماء عنایت نازل و ارسال شد و همچنین عریضه کیتان در ساحت اقدس عرض شد و جواب آن عنایت شده ارسال شد و سه لوح ابدع اقدس هم از افق عنایت بی‌اسم ارسال شد بهر که مصلحت دانند عنایت فرمایند

و اینکه در باره اخبار نوشته بودند امر مثل سابق است بقسمیکه در سوره رئیس و الواح اخری نازل شده بعد از همه مجالسها و مصالحه‌ها هنوز غبار جدال مرتفع و نار بغضا مشتعل اراضی دولت عثمانیه در انقلاب در هر گوشه ضوضائی بلند شده و لکن دعائی از سماء عنایت در حق دولت نازل و امر فرمودند اصحاب تلاوت نمایند بعد از اظهار این عنایت امید هست که عاقبت فی الجملة راحتی دست دهد الامر بیده یفعل کیف یشاء عالم منقلبست و نفسی سبب و علت آنرا ادراک ننموده طیب حقیقی را از معالجه امراض منع نموده‌اند و خود نه درد میدانند و نه دوا سبحان الله چه غفلتی است که کل را اخذ نموده بحر معانی را گذاشته‌اند و بیرک‌های ملح اجاج توجه نموده‌اند با اینکه شمس علم از افق سما مشرق مع ذلک بجهلای ارض تمسک جسته و تشبّث نموده‌اند زهی حسرت و ندامت اینست که هر روز بیلای جدیدی مبتلا میشوند و بعداب الیمی معدّبند

فيهذا المقام اختم القول انه لا اله الا هو لم يزل كان مهيمناً على الاشياء و لا يزال يكون متعالياً عن ذكر ملاء الاسماء ما وصفه احد حق وصفه انه لهو المقدس المنزه المتعالى العزيز الحكيم البهاء على حضرتكم و على من معكم من الذين شربوا رحيق الاستقامة و فازوا بهذا الامر البديع